

متن پیاده سازی شده جلسه سیزدهم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 8 آبان 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث ما در تحلیل مفاد مقبوله بود؛ عرض شد برای یک بار هم که شده به این مقبوله با نگاه درس خارج نگاه شود تا بتوانیم به گزینه مختار برسیم.

پاسخ دوم امام علیه السلام به سوال دوم ابن حنظله شهرت بود و امام علیه السلام از تعبیر لا ریب فیه استفاده کردند و لذا امام علیه السلام می فرمایند وقتی دو روایت دیدید که هر دو هم به ما منتسب است گاهی این طور است که وقتی با کارشناسان حدیث مطرح کنید از یک روایت استقبال می کنند و واضح می دانند و دیگری را خلاف قاعده می دانند.

این حادثه در عصر ائمه علیهم السلام هم خیلی اتفاق می افتاد و برخی از افراد از مواضع تقیه خبر نداشتند یا فریب خورده بودند و... مثلاً فرض کنید کسی فریب بخورد و فکر کند که متعه در مذهب شیعه باطل است (مثلاً متوجه روایت تقیه ای نشده

است) و با کسی بر سر این مساله اختلاف کند این شخص بگوید متعه زنا است و دیگری بگوید بی اشکال است و....

یا مثلاً امام هادی علیه السلام در جلسه ای تمسک کردند به روایت لا تجتمع امتی علی الخطا ... قطعاً امامیه اجماع امت را قبول ندارند و این از عقاید اهل سنت است حال اگر کسی این را نداند ممکن است از تمسک امام علیه السلام به اشتباه بیفتد. به نظر می رسد که اگر ما ذهن خود را از مشهور اصطلاحی خالی کنیم به نتیجه خوبی می رسیم.

امام علیه السلام بعد از بیان صفات راوی و روایت گزینه مشهور بودن (واضح) را پیشنهاد می دهد با این بیان ما به 4 سوال ابتدایی که مطرح کردیم به راحتی پاسخ می دهیم.

سوال اول: آیا روایت در این فقره نظر به روایت مشهور در نقل دارد یا روایت مشهور در فتوا و استناد دارد و مراد از مشهور و مجمع علیه چیست؟

به نظر روشن است که امام علیه السلام در این سنجه نمی خواهند بگویند آقای ابن حنظله روایتی را که در کتاب های حدیث فقط نقلش مشهور است اخذ کن؛ و لذا تعجب است از امثال شیخ انصاری که در اینجا قائل به شهرت در نقل می شوند.

بحث در این روایت سر مشهور است مشهوری که به معنای واضح است به طوری که غیر این روایت قائلش شاذ است و یا روایت خلاف قاعده می نماید؛ به نظر ما در اینجا حق با مرحوم بروجردی و مرحوم امام است که می گویند مراد از شهرت روایتی است که مورد عمل واقع شده است.

روال طبیعی در زمان ائمه علیهم السلام این بود که وقتی روایتی مشهور می شد یعنی روایتی که عمل به آن نقل آن مشهور بوده است نه اینکه دو روایت باشد که یکی در نزد برخی مشهور باشد و روایت دیگر در نزد اشخاص دیگر مشهور باشد.

سوال دوم: آیا روایت در این فقره تمییز حجت از لا حجت می دهد یا بین حجتین راجح را مشخص می کند؟

با توضیحی که ما دادیم قهراً امام علیه السلام می خواهند تمییز حجت از لا حجت بدهند و لذا خبر غیر مشهور اصلاً اقتضاء حجیت ندارد.

سوال سوم: آیا شاذ مصداق بین الغی است یا مشتبه؛ انصاف مطلب این است که از روایت نمی شود چیزی استفاده کرد و ثمره علمی چندانی هم ندارد.

سوال چهارم: آیا می شود از این روایت برای غیر روایت مشهور هم استفاده کرد؟

در اینجا اگر نگاه به تعلیل نشود جواب منفی است و اگر به تعلیل نظر شود می شود این را به غیر روایت مشهور (مثلاً فتوا) هم سرایت داد البته به شرط اینکه به غیر روایت مشهور هم اطلاق مجمع علیه شود و به مخالف آن شاذ و خلاف قاعده اطلاق

شود.

نکته : البته این تسری محدود است و فقط در جایی است که آن مفاد، جزء اصول متلقاه نزد اصحاب باشد و آن را مستنکر به حساب نیاورند و لذا اگر همه بشر آمدند و روی قانون حقوق بشر اتفاق کردند این ربطی به این روایت نخواهد داشت و اجنبی از روایت خواهد بود.

فرق اساسی کلام ما با آقای بروجردی این است که ایشان باز هم مشهور را خیلی بالا نمی برد و دو مشهور را فرض می کند و مشهور را سنجه ترجیح می داند اما ما مشهور را بالا می بریم و آن را به عنوان تمییز حجت از لا حجت مطرح می کنیم. اما سوال سوم ابن حنظله: ابن حنظله احساس می کند جواب امام علیه السلام در همه جا مشکل را حل نمی کند و لذا از امام علیه السلام سوال می کند بعضی وقت ها هر دو روایت مشهور است مورد عمل و استناد است و... سنجه شما در این موارد به درد نمی خورد؟

حضرت فرمود به سراغ موافق قرآن و مخالف عامه برو و آن را اخذ کن.

برخی آقایان (شیخ، آخوند) برای اینکه امکان وقوع این فرض را درست کنند گفته اند مراد از مشهور، مشهور در نقل است و لذا دو مشهور در یک مساله ممکن است و مراد امام علیه السلام از مشهور در سوال دوم مشهور در حدیث است. ما در اینجا سه تا مطلب داریم

1: آیا اشکالی دارد که مشهورین را ، هم مشهور در نقل و هم مشهور در عمل بگیریم ؛ ما در زندگی روزمره این را می بینیم مثلاً می گوئیم در این مساله سه نظر است و دو نظر مشهور است.

به نظر ما این مشهور در فقره سوم غیر از مشهور فقره دوم است مشهور در فقره دوم پاسخ حضرت صادق علیه السلام مشهور و شاذ است مجمع علیه و شاذ است اما مشهور در فقره سوم (کلام ابن حنظله) مراد مشهورین است ؛ و ما سندی نداریم که بگوید هر مشهوری که امام صادق علیه السلام مرادشان است ابن حنظله هم باید مرادشان باشد. ابن حنظله پس از پاسخ امام علیه السلام دید که جواب امام علیه در برخی موارد کارگشا نیست چرا که بعضی از اوقات هر دو روایت از نوعی شهرت (وضوح) برخوردار است لذا سوال کرد اگر هر دو مشهور بود چه کنیم ؟

و الحمد لله رب العالمین